

تاریخ و تحلیل نقش ایدئولوژی‌های نجات‌بخشی در پیدایش

و سقوط تمدن‌ها

محبوبه محمدی^۱

چکیده

اندیشه نجات‌بخشی در طول تاریخ، یکی از اصول محوری در تمدن‌های باستانی و ادیان ابراهیمی بوده و نقش حیاتی در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایفا نموده است. این پژوهش به بررسی تأثیرات اندیشه نجات‌بخشی در تمدن‌های باستانی مانند مصر و روم، ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام)، و همچنین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مدرن پرداخته است. در تمدن‌های باستانی، نجات‌بخشی عمدتاً با نقش فراعنه، امپراتورها و خدایان مرتبط بوده که به عنوان نجات‌دهندگان از هرج و مرج و بی‌نظمی ایفای نقش کرده‌اند. در ادیان ابراهیمی، باور به ظهور منجیانی مانند مسیح، عیسی مسیح، و امام مهدی (عج) به عنوان نجات‌دهندگان نهایی و برپاکنندگان عدالت الهی مطرح شده است. در دوران مدرن، مفهوم نجات‌بخشی به ایدئولوژی‌های سیاسی و اجتماعی مانند مارکسیسم، ناسیونالیسم و جنبش‌های حقوق مدنی منتقل شده و در تلاش برای نجات از نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمود یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که اندیشه نجات‌بخشی، چه در قالب دینی و چه در قالب ایدئولوژی‌های مدرن، همچنان به عنوان نیروی محرک در ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها

ادیان ابراهیمی، امام مهدی (عج)، اندیشه نجات‌بخشی، ظهور منجی، عدالت اجتماعی

^۱ دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خاوران، مدرسه حضرت آمنه سلام الله علیها

مقدمه

اندیشه نجات‌بخشی یا منجی‌گرایی یکی از مفاهیم بنیادین در تاریخ اندیشه بشری است که در قالب ادیان، اسطوره‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف ظاهر شده و به عنوان نیرویی مهم برای تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل کرده است. از تمدن‌های باستانی تا جوامع معاصر، این باور که شخص یا ایده‌ای می‌تواند بشریت را از شرایط نامطلوب نجات دهد، تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی داشته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی تأثیر اندیشه نجات‌بخشی بر شکل‌گیری، توسعه و در برخی موارد، سقوط تمدن‌ها است. پرسش کلیدی این است که چگونه این اندیشه توانسته است جوامع را برای تغییرات اساسی به حرکت درآورد و در عین حال گاه به وسیله‌ای برای کنترل یا فروپاشی اجتماعی تبدیل شده است؟

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه نجات‌بخشی همواره مورد توجه متفکران و فیلسوفان قرار گرفته است. برخی محققان بر نقش این اندیشه در ادیان و جنبش‌های مذهبی تمرکز کرده‌اند، در حالی که دیگران به تأثیرات آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در تمدن‌های باستانی، اندیشه نجات‌بخشی به عنوان یک نیروی محرک برای تحولات دینی و فرهنگی تلقی می‌شد، در حالی که در دوران مدرن، این اندیشه در قالب ایدئولوژی‌های سیاسی همچون مارکسیسم و ناسیونالیسم نیز ظهور پیدا کرده است.

هدف از این تحقیق، بررسی و تحلیل تأثیر ایدئولوژی‌های نجات‌بخشی بر پیدایش و سقوط تمدن‌ها است. این پژوهش تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه این اندیشه‌ها هم به عنوان نیرویی مثبت در جهت تغییرات اجتماعی و هم به عنوان عاملی برای کنترل و فروپاشی جوامع عمل کرده‌اند. همچنین این تحقیق قصد دارد تا پیوند میان اندیشه نجات‌بخشی در دوران باستان و مدرن را شناسایی و تحلیل کند.

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، روش تحلیلی-تاریخی است. در بخش اول، با بررسی منابع تاریخی و مذهبی، به مطالعه اندیشه نجات‌بخشی در تمدن‌های باستانی پرداخته می‌شود. سپس تأثیرات این اندیشه بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، تحلیل‌هایی در زمینه نقش این اندیشه در ایدئولوژی‌های مدرن و چگونگی ارتباط آن با تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر ارائه خواهد شد.

مفهوم شناسی

اندیشه نجات بخشی

اندیشه نجات بخشی به باور یا ایدئولوژی‌هایی اطلاق می‌شود که در آن فرد یا نیرویی فراطبیعی (مانند خدا یا منجی) قادر است بشر یا جامعه‌ای را از وضعیت دشوار، ناعادلانه یا تباه نجات دهد. این اندیشه به‌ویژه در ادیان و اسطوره‌های باستانی نظیر زرتشتی‌گری و اساطیر مسیحیت نمود یافته است و نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و سیاسی این جوامع ایفا کرده است (اسطوره بازگشت ابدی، ۱۳۳۳: ۱، ۲۵). نجات در ادیان مختلف، غالباً به معنای رهایی از گناه، ظلم یا شرایط ناگوار است که با نوعی تحول درونی یا بیرونی همراه است. همچنین، از منظر فلسفی، این اندیشه به امید بهبودی یا دگرگونی اساسی وضعیت بشر اشاره دارد (تاریخ ادیان جهان، ۱۳۷۳: ۲، ۱۴۵).

تمدن

تمدن به مجموعه‌ای از دستاوردها، نهادها، فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که توسط جوامع انسانی در طول زمان شکل گرفته است. تمدن‌ها معمولاً دارای ویژگی‌های مشترکی مانند نهادهای حکومتی، نظام‌های اقتصادی، ساختارهای مذهبی و فرهنگی و فناوری‌های پیشرفته هستند (مطالعه‌ای در تاریخ، ۱۳۱۳: ۳، ۳۲۵). این نهادها و ساختارها نقش کلیدی در ایجاد هماهنگی اجتماعی و توسعه پایدار جوامع دارند. علاوه بر این، تمدن‌ها معمولاً از نظر جغرافیایی گسترده هستند و فرهنگ و هنرهای غنی‌ای به همراه دارند که به نوعی بازتاب‌دهنده ایدئولوژی‌های نجات بخشی آن‌ها نیز می‌باشند (تمدن: غرب و سایرین، ۱۳۹۰: ۲، ۱۸۰).

پیوند بین اندیشه نجات بخشی و تمدن

اندیشه نجات بخشی در بسیاری از تمدن‌ها، نه تنها به‌عنوان یک باور دینی یا فلسفی، بلکه به‌عنوان نیرویی فرهنگی و سیاسی ظاهر شده است. در بسیاری از تمدن‌های باستانی، مفاهیم نجات بخشی و منجی گرایی با نظام‌های حکومتی و اجتماعی پیوند خورده و نقش مهمی در مشروعیت بخشی به حکومت‌ها و تأسیس ساختارهای اجتماعی و سیاسی داشته‌اند. به‌طور مثال،

در مصر باستان، فراغه به عنوان نمایندگان خدایان و نجات‌دهندگان مردم معرفی می‌شدند (ادیان جهان کلاسیک، ۱۳۶۴: ۱، ۲۴۳). این باور در تمدن‌های دیگر نیز تکرار شده است، جایی که نجات‌بخشی، نیروی محرک حرکت‌های اجتماعی و سیاسی بوده و به شکل‌دهی تمدن‌ها کمک کرده است (ادیان روم: جلد ۱، ۱۳۷۷: ۱، ۳۱۵).

اندیشه نجات بخشی در تمدن های باستانی

اندیشه نجات بخشی در مصر باستان

اندیشه نجات بخشی در مصر باستان یکی از پایه‌های اصلی دین و جامعه بود و در باور به زندگی پس از مرگ، تقدس فرعون و پیوند او با خدایان ریشه داشت. این باور، در نظام مذهبی و سیاسی مصر حضوری گسترده داشت و مفاهیمی چون "زندگی پس از مرگ" و "قدرت فرعونی" که تجلی خدایان بر زمین تلقی می‌شدند، نمونه‌ای از این پیوستگی‌اند (مرگ و دفن در مصر باستان، ۱۳۸۲: ۲، ۱۷۸). فرعون جایگاهی فراتر از یک حاکم سیاسی داشت؛ او واسطه‌ای میان زمین و آسمان، منجی مردم، و حافظ نظم کیهانی به شمار می‌رفت. این نقش دینی، مشروعیت سیاسی‌اش را نیز تقویت می‌کرد (ادیان جهان کلاسیک، ۱۳۶۴: ۱، ۲۹۷). هر بحرانی در جامعه می‌توانست نشانه‌ای از اختلال در نظم الهی تلقی شود که وظیفه‌ی بازگرداندن آن با فرعون بود (کتاب‌های مصری باستان پس از مرگ، ۱۳۷۸: ۳، ۲۱۰). این نگرش حتی پس از مرگ فرعون نیز ادامه داشت و او در متون تدفینی مانند "کتاب مردگان" به عنوان راهنمای ارواح در مسیر رسیدن به سعادت معرفی می‌شود (کتاب مردگان مصر باستان، ۱۳۵۱: ۲، ۱۲۰).

آیین‌های مذهبی، به‌ویژه آیین‌های تدفینی، کاملاً در خدمت اندیشه نجات بخشی بودند. مصریان مرگ را مرحله‌ای از سفر روح می‌دانستند که برای رسیدن به جاودانگی باید از آزمون‌های دشوار عبور کند (راهنمای اساطیر مصری، ۱۳۸۲: ۲، ۱۸۷). خدایانی مانند اوزیریس در این مسیر نقش محوری داشتند. او به عنوان خدای مرگ، هدایت‌گر ارواح و نجات‌دهنده‌ی آنان در جهان زیرین بود (منشأ اوزیریس و فرقه او، ۱۳۶۷: ۱، ۸۹). آیین‌هایی همچون مومیایی کردن، بازتابی از این باور بودند که بدن و روح به بازسازی نیاز دارند تا به جاودانگی دست یابند (راهنمای زندگی در مصر باستان، ۱۳۷۹: ۱، ۲۱۵).

خدایانی چون رع، اوزیریس و آمون نیز نقش‌های محوری در اندیشه نجات بخشی داشتند. رع، خدای خورشید، نماد بازسازی روزانه کیهان و منبع نجات الهی بود (ادیان روم: جلد ۱، ۱۳۷۷:

۱، ۳۵۲). اوزیریس، راهنمای ارواح در دنیای مردگان، و آمون، خدای بزرگ نجات و ثبات، به‌ویژه در دوره پادشاهی جدید، نقشی کلیدی در مشروعیت‌بخشی به حکومت فراعنه داشتند (کتاب‌های مصری باستان پس از مرگ، ۱۳۷۸: ۲، ۱۹۸؛ راهنمای زندگی در مصر باستان، ۱۳۷۹: ۱، ۲۱۵).

باور به زندگی پس از مرگ از مهم‌ترین بنیادهای فکری مصر باستان بود. روح برای رسیدن به سعادت، نیاز به راهنمایی، حمایت و نجات داشت. کتاب مردگان، دستورالعمل عبور روح از دنیای زیرین را شامل می‌شد و در مقبره‌ها همراه متوفی قرار می‌گرفت (کتاب مردگان مصر باستان، ۱۳۵۱: ۳، ۱۴۵). در این مسیر، خدایانی چون اوزیریس و آنوبیس نقش نجات‌دهنده ارواح را بر عهده داشتند (منشأ اوزیریس و فرقه او، ۱۳۶۷: ۱، ۱۰۴). تمام این مفاهیم با عدالت کیهانی، یا همان ماعت، در هم تنیده بود؛ اصلی که بر آن تأکید داشت که روح‌ها باید برای ورود به جهان پس از مرگ، در ترازوی عدالت سنجیده شوند.

اندیشه نجات‌بخشی در ایران باستان

در ایران باستان، اندیشه نجات‌بخشی مفهومی بنیادین در نظام دینی و اجتماعی بود که در قالب دین زرتشتی بیشترین نمود را یافت. باور به ظهور نهایی منجی به نام سوشیانت و غلبه نیروهای خیر بر شر، جایگاهی محوری در فرهنگ، دین و حتی سیاست ایران باستان داشت (تاریخ زرتشتی‌گری، ۱۳۸۰: ۱، ۲۱۵). زرتشت، بنیان‌گذار این دین، بر نبرد دائمی میان اهورامزدا (خیر) و اهریمن (شر) تأکید داشت و انسان را مسئول انتخاب در این میان می‌دانست. نتیجه این انتخاب، رستگاری یا تباهی بود. ظهور سوشیانت در پایان زمان، نجات بشریت و بازسازی نظم کیهانی را نوید می‌داد (ایده ایران، ۱۳۶۸: ۲، ۱۱۰). این منجی، نمادی از عدالت و امید در برابر ظلم و نابسامانی‌های اجتماعی محسوب می‌شد (زرتشتیان: باورها و آیین‌های دینی، ۱۳۸۰: ۳، ۲۵۵).

دوگانه‌گرایی خیر و شر که در آموزه‌های زرتشتی پایه‌گذاری شده بود، پیوند مستقیمی با اندیشه نجات داشت. نبرد اهورامزدا با اهریمن نه تنها جنبه کیهانی، بلکه جنبه اخلاقی و انسانی داشت و این تقابل، شالوده نظام فکری جامعه را شکل می‌داد (دین ایران باستان، ۱۳۵۲: ۱، ۹۵). باور به پیروزی قطعی خیر در پایان زمان، به همراه ظهور سوشیانت، موجب ایجاد امید در جامعه برای رسیدن به دوره‌ای از صلح و عدالت می‌شد (طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ۱۳۳۴: ۲، ۱۹۸).

۴.۲. نجات بخشی از تبعیض جنسی

جنبش های فمینیستی نیز یکی دیگر از نمودهای نجات بخشی در دوران مدرن هستند که به ویژه بر نجات زنان از تبعیض جنسی و نابرابری های جنسیتی تمرکز دارند. فمینیسم به عنوان جنبشی برای برابری حقوقی، اجتماعی و اقتصادی زنان، از قرن نوزدهم به این سو نقش مهمی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی داشته است. فمینیست ها معتقدند که زنان باید از نابرابری های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رهایی یابند و به حقوق برابر با مردان دست یابند (آشفتگی جنسیتی، ۱۳۸۳: ۱، ۱۵۳)

جنبش های فمینیستی در کشورهای مختلف، به ویژه در جهان غرب، موفق به دستیابی به بسیاری از حقوق برای زنان شدند، از جمله حق رأی، حق تحصیل، حق مالکیت، و حقوق برابر در محل کار. این جنبش ها به عنوان یکی از نمونه های موفق نجات بخشی اجتماعی عمل کرده اند و به زنان در سراسر جهان این امکان را داده اند که به حقوق و آزادی های خود دست یابند.

نتیجه گیری

اندیشه نجات بخشی یکی از مؤلفه های اساسی در تاریخ تفکر بشر بوده و در طول اعصار، تأثیرات عمیقی بر جوامع و تمدن ها داشته است. این مفهوم که در ابتدا در ادیان و اسطوره های باستانی ظهور یافت، در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، و اسلام) به عنوان نیرویی معنوی برای نجات بشریت از ظلم، گناه و ناپاکی تکامل یافت. ظهور منجی، رهایی از گناه و تحقق عدالت الهی، به عنوان محورهای اصلی نجات بخشی در این ادیان مطرح شده و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی گسترده ای در طول تاریخ داشته است.

با ورود به دوران مدرن، مفهوم نجات بخشی از چارچوب های دینی فراتر رفته و به اشکال مختلف در ایدئولوژی های سیاسی و اجتماعی بازتولید شده است. دوران روشنگری، با تأکید بر عقلانیت و علم، نجات را در قالب رهایی از جهل و استبداد تعریف کرد. مارکسیسم، نجات را در مبارزه طبقاتی و پایان دادن به استثمار اقتصادی جستجو کرد، در حالی که ناسیونالیسم بر نجات ملت ها از استعمار و سلطه بیگانگان تأکید داشت. علاوه بر این، جنبش های حقوق مدنی و فمینیستی، نجات را در آزادی از تبعیض های نژادی، جنسیتی و اجتماعی معنا کردند.

امروزه، اندیشه نجات‌بخشی همچنان در اشکال مختلف، از باورهای دینی گرفته تا ایدئولوژی‌های سکولار، حضور دارد و به‌عنوان نیرویی محرک در جوامع عمل می‌کند. این مفهوم، چه در قالب انتظار ظهور منجی و تحقق عدالت الهی، و چه در چارچوب تلاش‌های اجتماعی و سیاسی برای آزادی و برابری، همچنان یکی از اصلی‌ترین نیروهای تحول در جهان باقی مانده است. بررسی تاریخی و تحلیلی این اندیشه نشان می‌دهد که نجات‌بخشی نه‌تنها راهی برای رهایی از بحران‌ها بوده، بلکه در بسیاری از موارد، خود عاملی برای تغییرات بنیادی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع محسوب می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- اسمان، یان. **جستجوی خدا در مصر باستان**، کرنل: انتشارات دانشگاه کرنل، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.
- اسمیت، آنتونی دی. **ملت‌ها و ناسیونالیسم در عصر جهانی‌شدن**، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، چاپ اول، ۲۰۱۰ م.
- اکرم، س. **مرگ و دفن در مصر باستان**، لندن: لانگمن، چاپ اول، ۲۰۰۳ م.
- الیاده، میرچا. **اسطوره بازگشت ابدی: کیهان و تاریخ**، پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون، چاپ اول، ۱۹۵۴ م.
- اندرسون، پری. **تبارهای دولت استبدادی**، ترجمه: ح. مرتضوی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول، ۲۰۰۸ م.
- ایرمن، بارت دی. **مسیحیت‌های گمشده: نبرد برای کتاب مقدس و ایمان‌های فراموش‌شده**، نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، چاپ اول، ۲۰۰۳ م.
- ایزرائیل، جانatan. **یک انقلاب ذهنی: روشنگری رادیکال و خاستگاه‌های فکری دموکراسی مدرن**، ترجمه: م. موحد، تهران: نشر بیدگل، چاپ اول، ۱۴۰۲ ه.ش (اثر اصلی منتشر شده در ۲۰۰۹ م.).
- باتلر، جودیت. **آشفتگی جنسیتی**، ترجمه: م. فرهادپور، تهران: نشر طرح نو، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.
- بارد، ماری، نورت، جان، و پرایس، سیمون. **ادیان روم: جلد ۱: تاریخ**، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
- باکسر، بروس. **تعالیم یهودیت: از کتاب مقدس تا مدرن**، نیویورک: انتشارات هارپر و رو، چاپ اول، ۱۹۸۴ م.
- بالتمن، رودولف. **الهیات عهد جدید**، نیویورک: انتشارات دانشگاه هارپر و رو، چاپ اول، ۱۹۸۷ م.

- بریانت، پی.یر. از کوروش تا اسکندر: تاریخ امپراتوری ایران، آیزنبرانس، چاپ اول، ۲۰۰۲ م.
- بورکت، والتر. ادیان جهان کلاسیک، کمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.
- بویس، مری. تاریخ زرتشتی‌گری: جلد ۱: دوره اولیه، بریل، چاپ اول، ۱۹۸۲ م.
- بویس، مری. زرتشتیان: باورها و آیین‌های دینی آنها، چاپ دوم، لندن: روتلج، ۲۰۰۱ م.
- پلوت، گونتر. تفسیر کتاب مقدس یهودی: تورات، نیویورک: انتشارات دانشگاه هارپر، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
- پینچ، جرالدين. راهنمای اساطیر مصری، ABC-CLIO، چاپ اول، ۲۰۰۲ م.
- توین‌بی، آرنولد. مطالعه‌ای در تاریخ، آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد، چاپ اول، ۱۹۳۴ م.
- دهالا، م. ن. تاریخ زرتشتی‌گری، آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد، چاپ اول، ۱۹۳۸ م.
- رایت، نیکلاس. رستاخیز عیسی مسیح و ایمان مسیحی، نیویورک: انتشارات دانشگاه هارپر و رو، چاپ اول، ۲۰۰۳ م.
- رئال، جیووانی. تاریخ فلسفه یونان باستان، نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، چاپ اول، ۱۹۹۰ م.
- زاهنر، رابرت. طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ویدنفلد و نیکلسون، چاپ اول، ۱۹۵۵ م.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۵ ه.ش.
- قرائتی، محسن. تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.

- کینگ، استیون. زیر گنبد، ترجمه: ل. حاجی‌بابا، تهران: نشر گستر، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه.ش.
- مارکس، کارل. سرمایه (جلد اول)، ترجمه: ا. اسکندری، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول، ۲۰۰۷ م.
- مطهری، مرتضی. قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
- هابرماس، یورگن. دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه: ج. محمدی، تهران: نشر افکار، چاپ اول، ۲۰۱۳ م.